

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

تکنولوژی ژنتیک و سیستم ارتباطات بوده است. این رشد شگفت آور علوم و تکنولوژی و افزایش قدرت تولید نوع بشر، در تضاد با ویژگیهای دیگر این دوران قرار گرفته است. تغییرات وسیعی که در سیستم تولیدی جهان به وجود آمده، با گلوبالیزه شدن همه جانبه زندگی اقتصادی مردم جهان، ربط داشته است. بدین صورت، تمامی موقعیت اقتصادی و سیاسی گذشته را در هم ریخته و مردم جهان را به کام گردبادی اقتصادی فرو برده است که نسبت به آن نه کنترلی دارند و نه به نظر می آید کس دیگری می تواند آنرا کنترل کند و هرروزه، مصیبت و فاجعه ای تازه بدان افزوده می شود. فقر، بیماری، جنگهای داخلی قومی و مذهبی، بیکاری و بسته شدن کارخانجات، اخراج کارگران برای تنزل شمار حقوق بگیران و در بسیاری موارد برچیده شدن خدمات اجتماعی از جمله این عوارض هستند. بدیهی است که سرانجام این روند هم همان خواهد بود که در گزارش سازمان توسعه انسانی سازمان ملل آمده است، یعنی قرار گرفتن جهان در آستانه یک بحران اقتصادی بزرگ.

وضعیت موجود در سطح جهان، دستاورد سیستم سرمایه داری از زمان تولد تا رشد و تکامل آن می باشد. بیش از ۱۵۰ سال پیش، کارل مارکس در مانیفست حزب کمونیست نوشت: "بورژوازی، بدون ایجاد تحولات دائمی در افزارهای تولید و بنابراین بدون انقلابی کردن مناسبات تولید و همچنین مجموع مناسبات اجتماعی، نمی تواند وجود داشته باشد... تحولات پیوسته در تولید، تنزل دائمی کلیه اوضاع و احوال اجتماعی و عدم اطمینان دائمی و جنبش همیشگی، دوران بورژوازی را از کلیه ادوار سابق متمایز می کند. کلیه مناسبات خشکیده و زنگ زده، با همه آن تصورات و نظرات مقدس و کهنسالی که در بر می گرفتند، محو می گردد. آن چه که تازه ساخته شده، پیش از آن که جایی بگیرد، کهنه شده است. آن چه که صنفی و راکد است، نابود می گردد و آنچه که مقدس است، از قدس خود تهی می شود و سرانجام انسانها ناگزیر می شوند به وضع

زندگی و روابط خویش با دیدگانی هوشیار بنگرند."

آیا زمان آن فرا نرسیده که هوشیارانه به وضع زندگی انسانها نگریم؟ کسانی که سخن از "مرگ سوسیالیسم" و "پیروزی سرمایه داری" می رانند، هم اکنون شاهد این نابرابریهای و انباشت شگفت انگیز ثروت در دست تعدادی کم شمار و فقر برای میلیونها انسان هستند. تنها در ۲۵ سال اخیر، اقتصاد جهان بطور کلی زیر کنترل بازار جهانی سرمایه داری درآمده است، به طوری که در هیچ دوره ای از تاریخ، بشریت تحت چنین نفوذی نبوده است. اکنون زمان آن رسیده که دستاوردهای سیستم سرمایه داری را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم. ثروت کمتر از ۶۰۰ نفر در جهان بیش از مجموع درآمد بیش از نیمی از مردم جهان، یعنی نزدیک به ۳ میلیارد نفر است. این ارقام به سرعت در حال فزونی هستند. تنها در آمریکا در مدت ۴ سال، شمار میلیاردرها از ۱۳ نفر در سال ۱۹۸۲، به ۱۴۹ نفر در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. از ۴/۴ میلیارد نفر مردم کشورهای به اصطلاح "درحال توسعه"، سه پنجم آنها از سیستم بهداشتی محروم هستند. یک سوم فاقد آب آشامیدنی هستند. یک چهارم از داشتن مسکن محرومند. یک پنجم از تغذیه کافی برخوردار نیستند و به همین تعداد از بهداشت و درمان محرومند. در سطح جهانی نیز این نابرابری در همان سطح وجود دارد. درآمد یک پنجم از جمعیت ثروتمند سراسر جهان، برابر با درآمد ۸۶ درصد مردم کل جهان است و یک پنجم از فقیرترین مردم، تنها ۱/۳ درصد از درآمد جهان را دارا می باشند. به گزارش سازمان ملل، در اواخر سال ۲۰۰۳، یک میلیارد انسان که یک ششم جمعیت جهان و یک سوم جمعیت شهری را تشکیل می دهند، زاغه نشین بوده اند و پیش بینی می شود که در ۳۰ سال آینده این تعداد به دو برابر برسد.

فقر و محرومیتی که مردم جهان از آن رنج می برند، از فجایع طبیعت بوجود نیامده اند. تاثیرات مستقیم سرمایه داری، سیستم جهانی سازی یعنی سیستم بازار پول و برنامه های "تعدیل ساختاری" صندوق بین المللی پول IMF که باهدف کشیدن سرمایه جهانی به زیر نفوذ خود، در خدمت بانکها و نهادهای مالی بزرگ قرار دارد، مردم جهان را به این وضعیت رسانده است. اقدامات نهادهای پیش برنده جهانی سازی، سبب بالا رفتن هر چه سریعتر بدهیهای کشورهای

فقیر جهان گشته است، به طوریکه کشورهای فقیر در سال ۱۹۹۸، روزانه بیش از ۷۱۷ میلیون دلار بهره بدهی خود را به این بانکها پرداخته اند. این در حالیست که برای بدهی، به طور روزانه همچنان افزوده می شود. از این روست که هیچ کشور به اصطلاح "جهان سومی" امکان تبدیل شدن به یک کشور قدرتمند صنعتی و پیشرفته اقتصادی مانند ایالت متحده آمریکا، کانادا، اروپای غربی، ژاپن، استرالیا و نیوزلند را ندارد. در واقع از ۸۵ سال پیش که که لنین گفت جهان امپریالیستی جهانی است که بین تعداد زیادی از ملل ستم دیده و تعداد انگشت شماری از ملل ستمگر تقسیم شده است که اولی ثروت هنگفت و نیروی نظامی قدرتمندی را در اختیار دارد، وضع به همان صورت مورد تعریف او باقی مانده و با وخیم ترگشته است. لنین در همین رابطه از تقسیم جهان بین "تعداد کمی کشورهای رباخوار و کشورهای بدهکار" نیز سخن می گوید. تاکنون "پیروزی بازار" رشد سریع فاجعه در زندگی مردم را بار آورده است. بهترین مثال می تواند اتحاد شوروی سابق باشد، همان جایی که برخی ادعا می کردند سرمایه داری "معجزه" خواهد کرد اما در هیچ نقطه از جهان، سقوط اقتصادی به این حد نبوده است. در واقع از سال ۱۹۹۸، اقتصاد روسیه به نیمی از توان تولیدی و خدماتی پیشین خود کاهش یافته است. تنزل تولیدات از سال ۱۹۴۲ که بخش وسیعی از کشور تحت اشغال نازیها قرار داشت، بیشتر بوده است.

"نظم نوین جهان" سرمایه داری، هم اکنون با جنگهای بی رحمانه امپریالیستی برای سروری بر سراسر جهان نیز چهره واقعی خود را نشان داده است. تاماس فریدمن، سردبیر بخش خارجی روزنامه نیویورک تایمز، در آستانه یورش ناتو به یوگسلاوی نوشت: "دستههای پنهان بازار هرگز بدون مشتتهای پنهان نمی تواند وجود باشد." او در همانجا می گوید: "مک دونالد نمی تواند بدون مشت پنهان مک داندل داگلاس، سازنده F-۱۵، راه خود را باز کند. نام مشت پنهان تکنولوژی سلیکون والی، ارتش آمریکا، نیروی هوایی و نیروی دریایی است... بدون USA از AOL هم خبری نخواهد بود."

با اینکه سیستم سرمایه داری همواره فقر و رنج برای مردم جهان به بار آورده است، برخی ادعا می کنند طی ۵۰ سال اخیر، در کشورهای ثروتمند، سطح زندگی اکثر مردم شاغل بالا رفته است.

این در حالی ست که برپایه آمار، ۲۵ سال اخیر، ثروت هر چه بیشتر پولاریزه گشته و درآمد مردم حتی در همین کشورها پایین آمده است. بهترین مثال برای اثبات این ادعا نیز ایالت متحده آمریکا می باشد که پیشاهنگ اقتصاد و بازار آزاد است و در حال حاضر بدهیهای خارجی آن، مبلغ ۳ تریلیون دلار را دربر می گیرد.

در سپتامبر ۲۰۰۳، بیکاری در این کشور به ۶ درصد رسیده بود، این در حالی ست که ۱۵ میلیون نفر از کسانی که دارای کار نیمه وقت بوده و قادر به پیدا کردن کار تمام وقت نیستند و یا کسانی که دیگر از جستجو برای یافتن کار دست کشیده اند، شامل این برآورد نیستند. این افراد در واقع ۱۰ درصد از نیروی کار را تشکیل می دهند. بی خانمانها، حاشیه کاران دارای شغل آزاد، مشغولان به کارهای موقت و یا مهاجران غیر قانونی نیز به حساب آورده نشده اند. ۱/۵ میلیون نفر از سربازان و یا زندانیانی که وضعیت نامشخصی دارند به اضافه ۱/۵ میلیون سرباز در خدمت و ۲ میلیون زندانی محکوم شده نیز شامل این ۶ درصد نگشته اند. همزمان، قطع بسیاری از کمکهای خدماتی و درمانی که برای شاغلان با درآمد پایین می توانست کمکی باشد و نیز سطح پایین درآمد میلیونها انسان که کفاف مخارج روزانه آنان را نمی دهد، نشان انباشت ثروت در دست عده ای کم شمار می باشد. در دیگر کشورهای بزرگ صنعتی نیز کمابیش این حالت وجود داشته است. برای مثال در استرالیا نیز در سال ۱۹۹۴، ۲۰ درصد از مجموع جمعیت، ۴۰ درصد درآمد را داشته و ۲۰ درصد پایین، ۶ درصد درآمد را بدست آورده اند. در سالهای پس آن نیز همه ساله ۲۰ درصد بالا بر درآمدشان افزوده شده و درآمد ۲۰ درصد پایین تنزل یافته است.

زندگی مردم جهان روز به روز با رشد فقر و بیکاری به سمت نابودی کشانده می شود و سرمایه داری لگام گسیخته، به سرعت این روند می افزایش دهد. برای نجات از این طوفان، باید به مبارزه برخاست، مبارزه ای که آماج آن تنها عدالت، صلح و سوسیالیسم می تواند باشد و در پیوند مردم سراسر جهان، نیروی خویش را گرد می آورد.